

درس دوم

المواعظُ العَدَدِيَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص)

المواعظ العَدَدِيَّةُ

قال رسول الله (ص): «تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً»
يَشْمَلُ هَذَا الدَّرْسُ المَوَاعِظَ مِنَ النَّبِيِّ (ص) حَوْلَ اجْتِنَابِ مِنَ الظُّلْمِ وَتَشْجِيعِ الْإِنْسَانَ عَلَى التَّعَلُّمِ وَعَمَلِ الْخَيْرِ وَالتَّرْحُمِ الْإِنْسَانَ
عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَثَوَابِ الْجَمَاعَةِ فِي الصَّلَاةِ وَالْإِخْلَاصِ فِي الْعَمَلِ وَ...

پندهای شمارشی

رسول خدا (ص) فرمود: «یک ساعت تفکر بهتر از عبادت هفتاد سال است.»
این درس موعظه‌ها و نصیحت‌هایی از پیامبر (ص) پیرامون دوری از ستم، تشویق انسان بر یادگیری، عمل خیر و مهر و ترحم انسان بر برادر مسلمانش
و همچنین ثواب نماز جماعت و اخلاص در عمل و.... را در برمی‌گیرد.

فَن تَرْجَمَه: شیوه ترجمه فعل‌هایی که با حرف اضافه می‌آیند و تغییرات معنای آن‌ها

موضوع قواعد: الأعدادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ

۱. اعداد اصلی ۱ تا عدد ۱۰۰ (مؤنث و مذکر)

۲. اعداد ترتیبی اول تا بیستم

۳. آشنایی با اعداد اصلی / شمارشی ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰ و ۹۰ (عقود)

۴. آشنایی با عملیات حساب؛ تقسیم، ضرب، جمع و تفریق



لغت‌های جدید

أَتَى بِ: آورد	حَفَرَ: حفر کرد	لَبَسَ: درنگ کرد، ماند
أَجْرِي: جاری کرد	ذَهَبِيَّة: طلايي	مَا أَجْمَل: چه زيباست!
أَخْلَصَ: مخلص شد	رَبَّيَانِي: مرا تربيت کردند	مَا تَقَدَّمُوا: آن چه را پيشاپيش فرستاديد
أَفْرَغَ: فروريز	سَائِح: گردشگر	مَسْكِين: بيچاره / بي پناه
أَمْسَكَ: نگه داشت	صَرَخَ: فرياد زد	مَوْت: مرگ
أَحْلَل: باز كن	ضِيَاء: روشنايي، نور	مُحَافَظَة: استان
إِخْفِضَ: فرود آور	عَلَيْكُمْ: بر شماست، باشيد	مِئَة: صد
الحفلة: جشن	عَرَفَ: شناخت	نَعَجَة: ميش
الجلم: بردباري	عَلَّمَ: ياد داد	وَرَثَ: به ارث گذاشت
الشُّعْب: ملت	عُقْدَة: گره	وَجَدْتَ: يافتی، دیدی
العداوة: دشمني	عَدَنَهُم: تعدادشان	وَزَع: پارسايي
العدديَّة: شمارشي	غابات: جنگل‌ها	يَتَنَاجَى: با هم راز می‌گويند
الفائز: پيروز، رستگار	عَرَسَ: كاشت	يَقُومُ: برمی‌خيزد
المواعظ: موعظه‌ها، پندها	فِضِيَّة: نقره‌اي	يَتَرَاخَمُ: به هم مهرباني می‌کنند
المصْطَب: ميهمان‌نواز	فَقِه: فهميد	يَتَزَكُّ: رها می‌کند
النملة: مورچه	قَامَ بِ: اقدام کرد	يَجْرِي: جاری است
الوجع: درد	قَامَ: ايستاد	يَسْتَعْفِزُ: آموزش می‌خواهد
بَعْض... بَعْضًا: يك ديگر	قَدَفَ: پرتاب کرد	يَعْفُزُ: می‌آمرزد
بَنَى: ساخت	قَنَا: ما را حفظ كن	يُفُوقُ: برتری می‌يابد
بَيِّنَات: دلايل آشكار	كَلَبَ: سگ	يُكْفَى: بس است
تَجِدُوهُ: آن را می‌يابيد	كُلُوا: بخوريد	يَتَابِعُ: جوي‌هاي پر آب، چشمه‌ها
ثَبَّتَ: استوار گردان	لَا تَفْرُقُوا: پراکنده نشويد	يَسْتَعْفِزُ: آموزش می‌خواهد
جناح الدُّل: بال فروتنی	لَا تَتَّخِذُوا: نگیريد	

متضادها

يَتَزَكُّ ≠ يَدْعُو	أَمَّنُوا ≠ كَفَرُوا
كَبِير ≠ صَغِير	قَلِيل ≠ كَثِير
كُل ≠ بَعْض	الصَّبَاح ≠ المَسَاء
مَوْت ≠ حَيَاة	الحَسَنَة ≠ السَّيِّئَة
بَنَى ≠ خَرَبَ	عَسَرَ ≠ يَسَّرَ
أَنْزَلَ ≠ رَفَعَ	الدُّل ≠ العِزَّ
العداوة ≠ السِّلْم	قَامَ ≠ قَعَدَ
حلال ≠ حرام	

مترادفها

تَرَكَ = وَدَعَ	نَظَرَ = شَاهَدَ
مَوْت = فَوْت	عَظِيم = كَبِير
لَبَسَ = بَتَى	الشُّعْب = الأُمَّة
قَامَ = نَهَضَ	صَابِر = حَلِيم
تَكَلَّمَ = تَخَدَّتْ	مَسْكِين = فَقِير
يَأْتِي = يَجِيءُ	عَزِيزِي = حَبِيبِي
طَلَبَ = دَعَا	الوَزَع = التَّقْوَى
سَافَرَ = رَحَلَ	

جمع‌های مکسر

المواعظ: الموعظة	الضُّيُوف: الضَّيْف
أَنْفُس: نَفْس	الطَّلَاب: الطَّالِب
يَتَابِع: يَنْبِوع	العِبَاد: العَبْد
مَسَاكِين: مَسْكِين	الأَعْرَاء: العَزِيز
الشُّعُوب: الشُّعْب	رُسُل: رُسُول
سُوح: سَائِح	الإِخْوَة: الأَخ
أَبْوَاب: بَاب	بِلَاد: بَلَد
أَبْنَاء: ابْن	نِعْمَاح: نَعَجَة

المَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص)

پندهای شمارشی از پیامبر خدا (ص)

درس دوم

الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ: ظُلْمٌ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ، وَظُلْمٌ يَغْفِرُهُ، وَظُلْمٌ لَا يَتْرُكُهُ. ستم سه گونه است: ستمی که خدا آن را نمی‌آمرزد و ستمی که آن را می‌آمرزد و ستمی که آن را رها نمی‌کند.

فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَالشَّرْكُ. قَالَ اللَّهُ ﴿إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾

و اما ستمی که خدا آن را نمی‌بخشد پس آن شرک است. خداوند می‌فرماید: «به راستی شرک، ستمی بس بزرگ است.»

وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَظُلْمُ الْعِبَادِ أَنْفُسَهُمْ فِي مَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي

و اما ستمی که خدا آن را می‌آمرزد ستم بندگان بر خودشان و میان ایشان و پروردگارشان است و اما ستمی که

لَا يَتْرُكُهُ اللَّهُ، فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا.

خدا آن را رها نمی‌کند پس ستم بندگان بر یکدیگر است.

گاهی جملاتی که با «إِنَّ» (کلمه‌ای تأکیدی) شروع می‌شود در بخش دوم این جملات «أ»

تأکید دوباره می‌آید و ما هم در ترجمه فارسی از عبارات تأکیدی استفاده می‌کنیم:

به راستی شرک، ستمی بس بزرگ است.

همانا انسان واقعاً در زیان است.

﴿إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾

سَمِعَ بِجُرِيٍّ لِلْعَبِيدِ أَجْرُهُنَّ وَهُوَ فِي قَبْرِ بَعْدَ مَوْتِهِ: مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا أَوْ

هفت چیز برای بنده پاداش آن‌ها جاری می‌شود در حالی که او در قبر خود بعد از مرگش باشد؛ هر کس دانشی یاد داد یا

أَجْرِي نَهْرًا، أَوْ حَفَرَ بَيْتًا، أَوْ غَرَسَ نَخْلًا، أَوْ بَنَى مَسْجِدًا، أَوْ وَرَّثَ مُصْحَفًا

نهری را جاری کرد یا چاه آبی را کند، یا نخلی کاشت، یا مسجدی ساخت یا قرآنی به ارث گذارد،

أَوْ تَرَكَ وُلْدًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ

یا فرزندی را (بعد از خود) گذارد که بعد از مرگش برای او آمرزش بخواهد.

جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِئَةَ جُزْءٍ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ جِزَاءً

خداوند رحمت را صد بخش قرار داد، و نزد خود نود و نه بخش را نگه داشت

وَأَنْزَلَ فِي الْأَرْضِ جِزَاءً وَاحِدًا، فَمِنْ ذَلِكَ الْجِزَاءِ يَتَرَاخَمُ الْخَلْقُ.

و در زمین یک بخش را فرو فرستاد و از آن بخش است که آفریده‌های خدا به هم مهربانی می‌کنند.

إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ، وَطَعَامَ الْإِثْنَيْنِ يَكْفِي الثَّلَاثَةَ وَالْأَرْبَعَةَ.

به راستی یک وعده غذا برای دو نفر کافی است و غذای دو نفر برای سه و چهار نفر کفایت می‌کند،

كُلُوا جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا، فَإِنَّ الْبَرَكَةَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.

با هم غذا بخورید و پراکنده نباشید، زیرا برکت با جماعت است.

إِنْ كَانَ خَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ وَثَلَاثَةٌ خَيْرٌ مِنْ اثْنَيْنِ وَأَرْبَعَةٌ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ، فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ.

دو نفر بهتر از یک نفر است و سه نفر بهتر از دو نفر و چهار نفر بهتر از سه نفر، پس با جماعت باشید (نماز بخوانید).

مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، ظَهَرَتْ تَبَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.

هر کس برای خدا چهل روز خود را خالص گرداند، چشمه‌های حکمت از قلبش به زبانش آشکار گردد.

أَرْبَعَةٌ قَلِيلٌ كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَالْوَجْعُ وَالْعِدَاوَةُ وَالنَّارُ. الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.

چهار چیز اندکش بسیار است؛ نیازمندی، درد، دشمنی و آتش (جهنم). عبادت ده جزء است که نه جزء آن در پی کسب حلال است.

إِذَا كَانَ اثْنَانِ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلُ بَيْنَهُمَا.

وقتی دو کس با هم رازی می‌گویند تو میان آن‌ها وارد نشو.

حوار (فی مطار النَّجَف)
گفت‌وگو (در فرودگاه نجف)

سائح من الكویت
گردشگری از کویت

سائح من ایران
گردشگری از ایران

و عليكم السَّلام و رحمةُ الله بر كانه.
علیکم السلام و رحمت خدا بر شما

السَّلام علیکم.
سلام علیکم.

مساءً التُّور یا عزیزى.
عصر شما به روشنائی عزیزم.

مساءً الخیر یا حبیبى.
عصر بخیر دوست من.

لا أنا من الكویت، أ أنت من باكستان؟
نه من از کویتم، آیا شما از پاکستان هستید؟

هل حضرتك من العراق؟
آیا حضرت عالی از عراق هستید؟

جئتُ للمرة الأولى و كم مرة جئتُ أنت؟
برای بار اول است و شما چند بار آمده‌اید؟

لا أنا ایرانی. كم مرة جئتُ للزيارة؟
نه من ایرانی‌ام. چند بار برای زیارت آمده‌ای؟

كم عمرک؟
چند سال داری؟

أنا جئتُ للمرة الثانية.
من برای بار دوم است.

من أي مدينة، أنت؟
از چه شهری هستی؟

عمرى ستّة عشرَ عاماً.
من شانزده سال دارم.

ما أجملَ غاباتِ مازندران و طبيعتها!
چقدر جنگل‌ها و طبیعت مازندران زیباست!

أنا من مدينة جویبار فى محافظة مازندران.
از شهر جویبار در استان مازندران.

نعم، ذهبتُ لزيارة الإمام الرضا، ثامن أئمَّتنا (ع).
بله، رفته‌ام به زیارت امام رضا هشتمین امامان ما.

هل ذهبتُ إلى ایران من قبل؟
آیا پیش از این به ایران رفته‌ای؟

إنّ إيران بلادٌ جميلةٌ جدّاً و الشعبُ الإيرانيُّ شعبٌ مضيافٌ.
به واقع ایران از کشورهای بسیار زیباست و ملت ایران ملتی مهمان‌نواز است.

كيف وَّجَدتَ ایران؟
ایران را چگونه دیدی؟

تمرین های امتحانی ترجمه

التمرین الأول - أكمل الترجمة على حسب الدرس:

۱. ظَلَمْتُ لَا يَغْفِرُهُ اللهُ وَظَلَمْتُ يَغْفِرُهُ .
 ۲. لَا تَتَرَفَّقُوا فَإِنَّ الْبِرْكَهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ .
 ۳. قَامَ جَدِّي بِتَوْزِيعِ الْهَدَايَا عَلَى الْبَنَاتِ وَالْبَنِينَ فِي الْحَفْلَةِ .
 ۴. ظَهَرْتُ يَتَابِعُ الْحِكْمَةَ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ .
 ۵. أَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ جُزْءًا .
 ۶. ﴿رَبَّنَا أفرِّغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أقدَامُنَا﴾
 ۷. ﴿وَأَخْلَلْ عُقْدَةَ مَنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾
 ۸. مَنْ عَرَسَ نَحْلًا وَأَجْرَى نَهْرًا .
 ۹. إِذَا كَانَ إِثْنَانٍ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلْ بَيْنَهُمَا .
- ستمی که خدا آن را و ستمی که خدا آن را
 زیرا برکت با است .
 پدر بزرگم برای پخش دختران و پسران در جشن
 حکمت از قلبش به زبانش
 نزد خود بخش را
 پروردگار ما، بر ما صبر و قدم هایمان را
 را از زبانم باز کن تا سختم را
 کسی که نخلی را و نهری را
 هرگاه دو نفر با هم پس در میان آن دو

التمرین الثاني - عین الترجمة الصحیحة:

۱. كُلُوا جَمِيعًا وَلَا تَفْرُقُوا .
 - الف. بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید.
 ۲. فَذَلِكَ ظَلَمْتُ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا .
 - الف. پس آن ستم بندگان به یک دیگر است.
 ۳. جَاءَ أَخِي الْمِضْيَافُ بِالطَّعَامِ لَضَيْفُونَا الْأَعْرَاءَ .
 - الف. برادرم که مهمان نواز است برای میهمانان عزیز غذا آورد.
 ۴. يَقُومُ الطَّلَابُ إِحْتِرَامًا لِأَسَاتِذِهِمْ .
 - الف. دانش آموزان برای احترام به استاد خود اقدام نمودند.
 ۵. إِذَا كَانَ إِثْنَانٍ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلْ بَيْنَهُمَا .
 - الف. هرگاه دو نفر با هم رازی می گویند پس تو میان آن دو وارد مشو.
 ۶. يَجْرَى أَجْرُ اسْتِغْفَارِ الْوَالِدِ لِلْوَالِدِينَ بَعْدَ مَوْتِهَا .
 - الف. سزای آمرزش خواهی فرزند برای پدر و مادرش بعد از فوت آن ها جاری است .
 ۷. ﴿لَا يَغْفِرُ اللهُ الشِّرْكََ لِأَنَّهُ ظَلَمٌ عَظِيمٌ﴾
 - الف. خداوند شرك را به سبب این که ستمی بزرگ است، نبخشید.
 ۸. كَمْ مَرَّةً جِئْتُ لِلزِّيَارَةِ؟
 - الف. چند بار برای زیارت آمده ای؟
- ب. با هم بخورید و پراکنده نشوید.
 ب. پس این همان ستم برخی از بندگان بر برخی دیگر است.
 ب. برادر مهمان نوازم برای میهمانان گرامی مان غذا آورد.
 ب. دانش آموزان به خاطر احترام به استادشان می ایستند.
 ب. وقتی دو کس با هم راز و نیاز کنند تو برایشان خرده مگیر.
 ب. پاداش آمرزش خواستن فرزند برای پدر و مادر بعد از مرگ آن ها جاری می شود.
 ب. خدا شرك را نمی آمرزد، زیرا آن ستمی بزرگ است.
 ب. چندمین بار است که به زیارت می آیی؟

التمرین الثالث - عین الصحیح فی ما أشیر الیه بخط:

۱. جَاءَتْ أُمِّي الْمِضْيَافَةَ بِالطَّعَامِ :
 ۲. ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾
 ۳. مِنْ عِلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ الْوَرَعُ فِي الْخُلُوةِ :
 ۴. ﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي﴾
- (میهماندار، میهمان نواز، میهمان)
 (آمد، می آورد، بیاورد)
 (صداقت، پارسایی، مردانگی)
 (آسان گردان، پنهان می کنند، شادمان کن)

٥. فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ نِسْعَةً وَتِسْعِينَ جُزْءًا (نگه داشت، خودداری کرد، نگذاشت)
٦. ﴿فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا﴾ (آغاز، هزاران، هزار)
٧. تَرَكَ وَلَدًا يَسْتَعْفِرُ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ. (می بخشد، آموزش می خواهد، آمرزید)
٨. أَرْبَعَةٌ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَالْوَجَعُ وَالْعَدَاوَةُ وَالنَّارُ. (درد، زاری، بلا)

التمرین السابع - صحح الأخطاء في الترجمة:

١. ظَهَرَتْ يَتَابِعُ الْحِكْمَةَ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ. چشمه حکمت از قلب او برزبانش جاری شد.
٢. الشَّرْكَ هُوَ الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُ اللَّهُ. شرك آن ظلم هایی است که خدا آن را نبخشید.
٣. فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ نِسْعَةً وَتِسْعِينَ جُزْءًا. پس نزد خود هفتادونه بخش را نگه دارید.
٤. فقيهٌ وَاحِدٌ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. فقیهی تنها، برای شیطان از هزاران عابد سخت تر است.
٥. الغُرَابُ يَعِيشُ عَشْرِينَ سَنَةً إِلَى ثَلَاثِينَ أَوْ أَكْثَرَ. کبوترده تا سی سال یا بیشتر زندگی کرد.
٦. ﴿وَمَا تَقْدَرُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ و هر آن چه از کار نیک پیش می فرستید نزد خدا آن را یافتید.

التمرین الخامس - أكمل الفراغات مستعيناً بالكلمات التالية:

«خيرٌ - كُلُوا - التَّمَلُّةُ - يَتَنَاجِيَانِ - حَفَرَ - نَفْسِي - بَعْضًا - الدَّلَّ - تَبَّتْ - يَوْمَ الْآخِرِ»

١. مَنْ بئراً لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا.
٢. الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَتْرُكُهُ اللَّهُ فَظَلَمَ الْعِبَادَ بَعْضُهُمْ
٣. «رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ الرَّاحِمِينَ»
٤. «وَاحْفَظْ لِهَمَا جَنَاحَ مِنَ الرَّحْمَةِ»
٥. جَمِيعاً وَلا تَفْرُقُوا وَإِنَّ الْبِرْكَهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.
٦. «رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ فَاغْفِرْ لِي»
٧. «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ أَقْدَامَنَا»
٨. تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً.
٩. الْيَوْمَ الثَّانِي مِنَ الْآيَامِ الْأُسْبُوعِ
١٠. إِذَا كَانَ إِثْنَانٍ فَلَا تَدْخُلُ بَيْنَهُمَا.

التمرین السادس - إقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الاسْئَلَةِ:

سائخ ایرانی في مطار النجف رأى سائحاً من الكويت وبعد التعارف سأل السائح الإيراني: كم مرة جئت للزيارة؟ أجاب السائح الكويتي: جئت للمرة الأولى ومن أي مدينة أنت؟ أجاب السائح الإيراني: أنا من مدينة جوبيار في محافظة مازندران وما أجمل غابات مازندران وطبيعتها.

١. من أي بلد جاء السائحان في مطار النجف؟
٢. كم مرة جاء السائح الكويتي إلى الزيارة؟
٣. كيف تكون محافظة مازندران؟
٤. عين عدداً ترتيبياً في النص؟

التمرين السابع - اُكْتُبِ المَطْلُوبَ: (المتضاد، المترادف، الترجمة بالفارسية و مفرد الكلمات)

١. قام ≠
 ٢. التَّعَاجُ ← مفردُها:
 ٣. لَبِثٌ =
 ٤. يَنَابِيعٌ (بالفارسية):
 ٥. المَوْتُ ≠
 ٦. المَواعِظُ ← مفردُها:
 ٧. الضُّيُوفُ ← مفردُها:
 ٨. عَظِيمٌ =
 ٩. الوَجَعُ (بالفارسية):
 ١٠. القليل ≠
 ١١. الرُّسُلُ ← مفردُها:

التمرين الثامن - تَرَجِّمِ العِبَارَاتِ التَّالِيَةَ:

١. مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً، ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.
 ٢. أَمْسَكَ اللهُ عِنْدَهُ تَسْعَةً وَتِسْعِينَ جُزْءاً مِنَ الرَّحْمَةِ.
 ٣. الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُزَكُّهُ اللهُ فَظَلَّمَ العِبَادَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً.
 ٤. يَعمَلُ أَرْبَعُونَ رَجُلًا فِي مَصْنَعِ الأَخْشَابِ.
 ٥. مَنْ إلهَ غَيْرِ اللهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَعْقِلُونَ.
 ٦. تَأْتِي الأُمَّمُ بِالفَاكِهِةِ وَتَجَلِبُ أختَى الحَلْوَى.
 ٧. لَبِثَ فِيهِمُ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَاماً.

التمرين التاسع - عَيِّنِ الكَلِمَةَ الغَرِيبَةَ فِي المَعْنَى وَالمَفْهُومِ:

١. أعوام نهر سنة شهر
 ٢. حسنة سيئة أعمال ثلاثين
 ٣. أربعا خمس ثلاثا سبت
 ٤. جئتُ بِ أتيتُ بِ جلبتُ جاءتُ

پاسخ تمرین های امتحانی ترجمه

التمرین السادس

- ۱ جاء سائحٌ إيرانيٌّ من إيران و سائحٌ كويتي من الكويت.
- ۲ مرة واحدة.
- ۳ غاباتها وطبيعتها جميلة.
- ۴ الأولى

التمرین السابع

- ۱ قام ≠ قَعَدَ
- ۲ التَّعَجُّبُ ← التَّعَجُّبُ
- ۳ لَبِثٌ = بَقِيَ
- ۴ يَتَابِعُ: چشمه ها
- ۵ المَوْتُ ≠ الحَيَاةُ
- ۶ المَوَاعِظُ ← المَوْعِظَةُ
- ۷ الضُّبُوفُ ← الضَّبِيفُ
- ۸ عَظِيمٌ = كَبِيرٌ
- ۹ الرَّجْعُ: درد
- ۱۰ القَلِيلُ ≠ الكَثِيرُ
- ۱۱ الرُّسُلُ ← الرِّسُولُ

التمرین الثامن

- ۱ هرکس چهل صبح را برای خدا مُخلص شود چشمه های حکمت از قلبش برزبانش آشکار می گردد.
- ۲ خداوند نود و نه جزء از رحمت را نزد خودش نگه داشت.
- ۳ ظلمی که خداوند آن را رها نمی کند، ظلم بندگان نسبت به یک دیگر است.
- ۴ چهل مرد در کارخانه چوب کار می کنند.
- ۵ چه کسی است خدایی غیر از الله که برایتان روشنی می آورد پس آیا نمی اندیشید؟
- ۶ مادر میوه را می آورد و خواهرم شیرینی را می آورد.
- ۷ نزد آنان ۹۵۰ سال اقامت کرد.

التمرین التاسع

- ۱ نَهْرٌ
- ۲ ثَلَاثِينَ
- ۳ خَمْسٌ
- ۴ جَاءَتْ

- ۷ نَبِثٌ
- ۸ التَّمْلَةُ
- ۹ يَوْمُ الْأَحَدِ
- ۱۰ يَتَنَجَّجَانِ

التمرین الأول

- ۱ نمی بخشد - می بخشد
- ۲ متفرق نشوید - جماعت
- ۳ هدیه های - برخاست
- ۴ چشمه های - آشکار گردید
- ۵ نود و نه - نگه داشت
- ۶ فروریز - استوار گردان
- ۷ گره - بفهمند
- ۸ بکار - جاری کند
- ۹ راز می گویند - وارد نشو

التمرین الثاني

- ۱ گزینة «ب»
- ۲ گزینة «الف»
- ۳ گزینة «ب»
- ۴ گزینة «ب»
- ۵ گزینة «الف»
- ۶ گزینة «ب»
- ۷ گزینة «ب»
- ۸ گزینة «الف»

التمرین الثالث

- ۱ میهمان نواز
- ۲ بیارود
- ۳ پارسیایی
- ۴ آسان گردان
- ۵ نگه داشت
- ۶ هزار
- ۷ آمرزش می خواهد
- ۸ درد

التمرین الرابع

- ۱ چشمه ← چشمه های - جاری شد ← آشکار گردید
- ۲ ظلم هایی است ← ستمی است - نبخشید ← نمی آموزد
- ۳ هفتادونه ← نود و نه - نگه دارید ← نگه داشت
- ۴ فقیهی تنها ← يك فقیه - عابد ← عبادت کننده
- ۵ کبوتر ← کلاغ / سی ← بیست / زندگی کرد ← زندگی می کند
- ۶ می فرستید ← بفرستید - یافیتید ← می یابید

التمرین الخامس

- ۱ حَفَرَ
- ۲ بعضاً
- ۳ خَيْرٌ
- ۴ الدَّلِيلُ
- ۵ كُلُّوا
- ۶ نفسِي

درسنامه قواعد

اعداد

بخشی از قواعد اعداد را در سال‌های گذشته خوانده‌اید و ما نیز در درس اول براساس آموخته‌های قبلی به آن‌ها اشاره نمودیم. اکنون در این درس علاوه بر مرور این قواعد، به طور کامل تری بدان‌ها خواهیم پرداخت و اعداد را یک بار دیگر براساس نوع کاربرد آن‌ها به دو بخش تقسیم می‌کنیم:

۱. اعداد اصلی

اعداد ترتیبی در فارسی نیز به همان منظوری که در عربی است به کار می‌رود و برای ترتیب و بیان آغاز و ادامه کار می‌آید، مثلاً می‌گوییم: ما در روز اول سفرمان استراحت نمودیم و سپس در روزهای دوم و سوم به گردشمان در شهر و طبیعت پرداختیم. در زبان عربی عدد اول ترتیبی همان‌گونه که در فارسی هم به کار می‌بریم برون «أَفْعَل» می‌آید (مؤنث آن در عربی برون «فُعَلی» است) و بقلابة اعداد ترتیبی از ۲ تا ۱۰ برون فاعل‌اند، اعداد ترتیبی به صورت مؤنث و مذکر عبارت‌اند از:

الأول / الأولى - الثاني / الثانية - الثالث / الثالثة - الرابع / الرابعة - الخامس / الخامسة - السادس / السادسة - السابع / السابعة - الثامن / الثامنة - التاسع / التاسعة - العاشر / العاشرة

اعداد ترتیبی، حکم صفت را دارند؛ بنابراین بسته به مؤنث یا مذکر بودن اسم قبل از خود (موصوف) به صورت مؤنث یا مذکر می‌آیند: الدَّرْسُ الثَّالِثُ فِي الصَّفْحَةِ السَّادِسَةِ.

33

مثال در جای خالی عدد ترتیبی مناسب قرار دهید.

۱. قرأت الدَّرْسِ (بنجم) فِي الصَّفْحَةِ (دهم)
۲. أَسْتَشْهِدُ الْإِمَامَ (سوم) الْإِمَامِ الْحَسَنِ (ع) فِي كِرْبَلَاءَ وَجَاءَ بَعْدَهُ الْإِمَامَ (چهارم) الْإِمَامِ السَّجَّادَ (ع).

پاسخ

۱. الخامس - العاشرة
۲. الثالث - الرابع

اعداد ۱۱ تا ۱۹ ترتیبی که شامل یکان و دهگان می‌شوند بخش اولشان (یکان) برون فاعل‌اند و عدد دوم (دهگان) ثابت است:

الحَادِي عَشَرَ (یازدهم) - الثَّانِي عَشَرَ (دوازدهم) - الثَّلَاثَ عَشَرَ (سیزدهم) - الرَّابِعَ عَشَرَ (چهاردهم) - الْخَامِسَ عَشَرَ (پانزدهم) - السَّادِسَ عَشَرَ (شانزدهم) - السَّابِعَ عَشَرَ (هفدهم) - الثَّمَانِ عَشَرَ (هجدهم) - التَّاسِعَ عَشَرَ (نوزدهم)

مثال در جای خالی عدد ترتیبی مناسب قرار دهید.

۱. الْيَوْمَ (سیزدهم) مِنْ رَجَبِ يَوْمِ مِيلَادِ الْإِمَامِ عَلِيٍّ (ع)
۲. الْيَوْمَ (هفدهم) مِنْ رَبِيعِ الْأَوَّلِ يَوْمِ مِيلَادِ النَّبِيِّ (ص).

پاسخ

۱. الثالث عَشَرَ
۲. السابع عَشَرَ

اعدادی که اصلی و ترتیبی آن‌ها با هم فرقی نمی‌کنند اعداد ۲۰، ۳۰، ...، ۹۰ هستند که به این اعداد اصطلاحاً عقود می‌گویند:

العِشْرُونَ / العِشْرِينَ - الثَّلَاثُونَ / الثَّلَاثِينَ - الأَرْبَعُونَ / الأَرْبَعِينَ - الخَمْسُونَ / الخَمْسِينَ - السِّتُونَ / السِّتِينَ - السَّبْعُونَ / السَّبْعِينَ - الثَّمَانُونَ / الثَّمَانِينَ - التِّسْعُونَ / التِّسْعِينَ

نکته

اعداد عقود مثل جمع مذکر سالم هستند و گاهی بر حسب نقشی که دارند با «وَنَ» و گاهی با «يَنَ» می‌آیند. عدد «صد» نیز به صورت «مائة» نوشته می‌شود و جمع آن «مئات» است.

اعداد اصلی از ۱۱ تا ۹۹:

در گذشته با اعداد ۱ تا ۹ آشنا شده‌اید اکنون به بررسی قواعد اعداد ۱۱ تا ۹۹ می‌پردازیم:

الف. اعداد ۱۱ و ۱۲:

شیوه نوشتن این اعداد را می‌توان در نمودار زیر به طور خلاصه دید:



نکته

اعداد ۱۱ و ۱۲ از نظر جنس با معدود خود (اسم بعد از خود) مطابقت دارند و اسم‌های بعد از این اعداد همیشه مفرد و منصوب می‌آیند.

ب. اعداد ۱۳ تا ۱۹:

بخش اول این اعداد (یکان) همان قواعد ۳ تا ۹ را دارند یعنی از نظر مؤنث یا مذکر بودن، برعکس اسم بعد از خود (معدود) می‌آیند، ولی بخش دوم با آن مطابقت می‌کنند:

شاهد سائِخٌ فِي مازندران سِتِّ عَشْرَةَ مَدِينَةً جَمِيلَةً وَأَرْبَعَةَ عَشَرَ مُتَحَفًا

ج. اعداد میان اعداد عقود (۲۱، ۲۲، ۲۳، ... و ۹۹):

بخش اول این اعداد (یکان) همان قواعد ۳ تا ۹ را دارند و بخش دوم (عقود) ثابت‌اند و به صورت مذکر می‌آیند:

﴿إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَّ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ﴾

نکته

عدد ۱۰۰ را «أَلْفٌ» گویند و عدد ۱۰۰ به صورت «مائة» نوشته ولی به صورت «مِئَةٌ» خوانده می‌شود. در هر حال معدود این اعداد همیشه به صورت مفرد و مجرور می‌آید: **تَوْجَدُ فِي الْمَكْتَبَةِ مِائَةٌ مَجَلَّةٍ وَالْأَلْفُ كِتَابٌ.**
مفرد و مجرور مفرد و مجرور

به جدول زیر توجه کنید:

اعداد اصلى	اعداد ترتيبى
واحد / واحدة	الأول / الأولى
أحد عشر / إحدى عشرة	الحادى عشر / الحادية عشرة
إثنان / إثنان	الثاني / الثانية
إثنا عشر / اثنتا عشرة	الثاني عشر / الثانية عشرة
ثلاث / ثلاثة	الثالث / الثالثة
ثلاث عشر / ثلاثة عشر	الثالث عشر / الثالثة عشرة
أربع / أربعة	الرابع / الرابعة
أربع عشر / أربعة عشر	الرابع عشر / الرابعة عشرة
خمس / خمسة	الخامس / الخامسة
خمس عشر / خمسة عشر	الخامس عشر / الخامسة عشرة
ست / ستة	السادس / السادسة
ست عشر / ستة عشر	السادس عشر / السادسة عشرة
سبع / سبعة	السابع / السابعة
سبع عشر / سبعة عشر	السابع عشر / السابعة عشرة
ثمان / ثمانية	الثامن / الثامنة
ثمان عشر / ثمانية عشر	الثامن عشر / الثامنة عشرة
تسع / تسعة	التاسع / التاسعة
تسع عشر / تسعة عشر	التاسع عشر / التاسعة عشرة
عشر / عشرة	العاشر / العاشرة
عشرون / عشرين	العشرون / العشرين

علاوه بر شناخت اعداد، با چهار عمل اصلی نیز آشنا شویم:

+ زائد: خمسة وعشرون زائد خمسة وعشرين يساوي خمسين

- ناقص: سبعون ناقص عشرة يساوي ستين

÷ تقسيم على: اثنان وستون تقسيم على اثنين يساوي واحداً وثلاثين

x ضرب في / في: أربعة في اثنى عشر يساوي ثمانية وأربعين

تمرین های امتحانی قواعد

التمرین الأول - اُكْتُبْ الأعداد الفارسيّة بالعربيّة:

١. چهار - پنج - هفت - نُهم - بيست - هشتم - هفده
٢. صد - هشتاد و پنج - نوزدهم - بيستم - سي و يك - چهل و پنج

التمرین الثاني - اُكْتُبْ العدد بالعربيّ في الفراغات:

١. ﴿لقد آتينا موسى آياتٍ﴾ (٩)
٢. ﴿يُمددكم ربكم به آلافٍ من الملائكة﴾ (٥)
٣. ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي أَيَّامٍ﴾ (٦)
٤. ﴿إِنِّي رَأَيْتُ كوكباً﴾ (١١)
٥. ﴿لَاتَتَّخِذُوا الْهَيْنِ (٢) إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ﴾ (١)
٦. ﴿سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ هم كلّهم﴾ (چهارم)
٧. ﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ أَيَّامٍ﴾ (٨)
٨. ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ شهراً﴾ (١٢)
٩. ﴿أَشْشِهَدُ فِي سَاحَةِ الْقِتَالِ مجاهداً﴾ (١٦)
١٠. ﴿فاز الفائز في المرحلة من المسابقات﴾ (سوم)

التمرین الثالث - أَجِبْ عن العَمَلِيَّاتِ الحسابيّة:

١. خمسةٌ في ثلاثة يساوي
٢. سِتُونَ ناقصٌ عشرةٌ يساوي
٣. أربعون تقسيم على اثنين يساوي
٤. خمسةٌ وثمانون زائد خمسٌ عشرةٌ يساوي
٥. اثنان وثمانون تقسيم على اثنين يساوي
٦. مئة تقسيم على خمسة يساوي

التمرین الرابع - صَعِّعْ في الفراغ كلمة مناسبة:

١. طول قامة الزرافة سنّة
 ٢. قال الله لا تتخذوا اثنين.
 ٣. علينا بالعبور من إلى رصيف آخر.
 ٤. طلبت الكتاب من صديقي.
 ٥. ما وضعوا البضائع
 ٦. يساعده حكامان
 ٧. الفصل الرابع في السنة الإيرانية فصل
 ٨. خير من واحدٍ و ثلاثة خيرٌ اثنين.
- (مرّة، أمتار، واحد)
(إله، إله، الهين)
(رصيف، حجرة، الشارع)
(أنا، هو، أنت)
(نحن، أنتم، هم)
(اثنان، اثنان، واحد)
(الربيع، الشتاء، الخريف)
(أربعة، ثلاث، اثنان)

التمرین الخامس - ترجم الجملات العديّة بالفارسيّة:

١. ﴿إِذْ واعدنا موسى ثلاثين ليلة﴾
٢. ﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كوكباً﴾
٣. ﴿ثامنٌ أئمتنا الإمام الرضا و عدد الأئمة اثنا عشر إماماً﴾
٤. ﴿من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها﴾

التمرين السادس - تَرْجِمِ العبارات القَصيرة مِنَ القرآن الكريم:

١. ﴿سَتِينَ مَسْكِينًا﴾
 ٢. ﴿رُؤُوسَ اثْنَيْنِ﴾
 ٣. ﴿مِئَّةَ حَبَابٍ﴾
 ٤. ﴿إِطْعَامَ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ﴾
 ٥. ﴿عِشْرُونَ صَابِرُونَ﴾
 ٦. ﴿سَبْعَةَ أَبْوَابٍ﴾
 ٧. ﴿سَبْعِينَ رَجُلًا﴾

التمرين السابع - اُكْتُبْ فِي الفِراغات أَعْداداً مَناسِبَةً مِنَ العُقود عَلَى الترتيب:

عِشْرُونَ،، أَرْبَعُونَ،، سَبْعُونَ،، تِسْعُونَ

التمرين الثامن - صَغْ فِي الفِراغِ عَدداً مَناسِباً بِالْحروفِ ثُمَّ تَرْجِمِ الجملات:

١. ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا (٥٠) عَامًا﴾
 ٢. أَمْسَكَ عِنْدَهُ (٩٩) جُزْءًا وَأَنْزَلَ فِي الأَرْضِ جُزْءًا (١)
 ٣. (٢) خَيْرٌ مِنْ واحِدٍ و (٣) خَيْرٌ مِنْ اثْنَيْنِ و (٤) خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ.
 ٤. الصَّبْرُ (٣) صَبْرٌ عِنْدَ المُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطاعة وَ صَبْرٌ عَنِ المَعْصِيَةِ.
 ٥. سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً (جِهارمين أَنها) كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ (٥) سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ.

التمرين التاسع - عَيِّنْ فِعلاً صَحيحاً لِلْفِراغِ:

١. جاءَ إِخوَةُ يوسُفَ فَ..... عَلَيْهِ.
 ٢. هَذَا الشَّابُّ هُوَ الَّذِي المَاءَ مِنْ يَنْبوعِهِ. (يُجْرِي، يَجْرِي)
 ٣. قُلْ مَنْ الكِتابَ الَّذِي جاءَ بِهِ موسى. (أَنْزَلَ، نَزَلَ)
 ٤. أ..... صَحيفَتِكَ اليَوْمِيَّةَ المَديريُّ؟ (يَطْبَعُ، لا تَطْبَعِينَ)

التمرين العاشر - عَيِّنِ الكَلِمَةَ الَّتِي يَخْتَلِفُ نَوْعُهَا:

١. وَضَعُوا كَتَمُوا أَضَاعُوا أَتْرَكُوا
 ٢. رُبِعَ سَاعَةٌ جُلُوسٌ ظَلَبَ
 ٣. ما قَدَفْتُمْ ما طَرَدَا ما نَدِمْتَمَا ما كَشَفْتُنَّ
 ٤. الوَلَدُ الأبُ البِنتُ الجَدُّ

پاسخ تمرین های امتحانی قواعد

التمرین الأول

- ٣ هشتمین امامان ما امام رضا (ع) و تعداد ائمه دوازده امام است.
 ٤ هر كس يك حسنه بياورد بر او ده حسنه مثل آن هاست.

التمرین السادس

- ١ شصت بیچاره درمانده
 ٢ دو جفت
 ٣ صد دانه
 ٤ غذا دادن به ده بیچاره
 ٥ ده نفر صبور
 ٦ هفت در
 ٧ هفتاد مرد

التمرین السابع

ثَلَاثُونَ - خَمْسُونَ - سِتُّونَ - ثَمَانُونَ

التمرین الثامن

- ١ خَمْسِينَ
 نوح (ع) را به سوی قومش فرستادیم و او در میان آنها باقی ماند (٩٥٠ سال)
 ٢ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ - واحداً
 نزد خود نود و نه بخش را نگه داشت و در زمین يك بخش را فرو فرستاد.
 ٣ اِثْنَانِ - ثَلَاثَةٌ - اَرْبَعَةٌ
 دو نفر بهتر از يك نفر و سه نفر بهتر از دو نفر و چهار نفر بهتر از سه نفر است.
 ٤ ثَلَاثَةٌ
 صبر سه گونه است: صبر هنگام اطاعت و صبر در هنگام معصیت.
 ٥ رَابِعُهُمْ - خَمْسَةٌ
 خواهند گفت سه نفر بودند و چهارمین آنها سگشان بود و می گویند پنج نفر بودند و ششمین آنها سگشان بود.

التمرین التاسع

- ١ دَخَلُوا
 ٢ يَخْرِي
 ٣ أَنْزَلَ
 ٤ لَا تَطْبَعِينَ

التمرین العاشر

- ١ أَتْرَكُوا
 ٢ طَلَبَ
 ٣ مَاطَرِدَا
 ٤ أَلْبَيْتَ

التمرین الثاني

- ١ تِسْعَ
 ٢ خَمْسَةَ
 ٣ سِتَّةَ
 ٤ أَحَدَ عَشَرَ
 ٥ اِثْنَيْنِ - واحداً
 ٦ رَابِعُ
 ٧ ثَمَانِيَةَ
 ٨ اِثْنَا عَشَرَ
 ٩ سِتَّةَ عَشَرَ
 ١٠ الثَّالِثَةَ

التمرین الثالث

- ١ خَمْسَةَ عَشَرَ
 ٢ خَمْسِينَ
 ٣ عَشْرِينَ
 ٤ مَائَةً
 ٥ واحداً و أربعين
 ٦ عَشْرِينَ

التمرین الرابع

- ١ أَمْتَارٍ
 ٢ إِلَهَيْنِ
 ٣ الشَّارِعِ
 ٤ أَنَا
 ٥ هُمْ
 ٦ اِثْنَانِ
 ٧ الثَّنَاءِ
 ٨ اِثْنَانِ

التمرین الخامس

- ١ آن گاه که به موسی (ع) سی شب وعده دادیم.
 ٢ من یازده ستاره را دیدم.